

## واکاوی مؤلفه‌های هویت‌یابی در نظریه انسان به‌منزله عامل

فاطمه رهبری\*

میمنت عابدینی بلترک\*\*\*

دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۹/۰۷

حکیمه السادات شریف‌زاده\*\*

پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۰۲/۱۴

### چکیده

هدف از پژوهش حاضر، واکاوی مؤلفه‌های هویت‌یابی در نظریه «انسان به‌منزله عامل» است. این پژوهش با رویکرد کیفی و روش تحلیلی - استنتاجی انجام شد. این نظریه در انسان‌شناسی، تصویر انسان در قرآن را به‌عنوان سخت هسته توصیف نموده است. طبق این نظریه، اعمال فرد هویت او را می‌سازد. هر فرد به تناسب عمل خویش و تعامل با محیط پیرامونش، هویت معینی را در وجود خویش می‌آفریند. با توجه به کوشش فلسفی نظریه انسان به‌منزله عامل، در جهت تبیین ماهیت آدمی و استنتاج مبادی عمل از آیات قرآن، در این نظریه به واکاوی مؤلفه‌های هویت‌یابی پرداخته شد. طی این واکاوی، از مبادی شناخت، میل و اراده، عمل و آثار عمل، چهار مؤلفه خودآگاهی، ارزشمندی، وحدت و اقتدار استخراج گردید. از مؤلفه خودآگاهی، دو شاخص «معرفی خود و توصیف احساسات، هیجانات، نیازها، علاقه‌مندی‌ها، توانمندی‌ها» و «خودآرزیابی» استنتاج شد. مؤلفه ارزشمندی نیز، از طریق «دیگر آرزیابی» و پی بردن فرد به «شباهت و تفاوت با دیگران» ارزش هویتی را محقق می‌سازد. با توجه به مواجهه فرد با تکثر و تنوع موقعیت‌هایی زندگی، «اولویت‌بندی امور» موجب وحدت و انسجام درونی می‌شود. از طرفی هویت فردی - اجتماعی در جریان «مشارکت در فعالیت جمعی» به‌عنوان یکی از شاخص‌های مؤلفه وحدت، شکل می‌گیرد. علاوه بر این سه مؤلفه، اقتدار هویتی با «انتخاب و تصمیم‌گیری» و در نظر گرفتن «اثر و نتیجه عمل» ظهور پیدا می‌کند.

**کلیدواژه‌ها:** هویت؛ هویت‌یابی؛ نظریه انسان به‌منزله عامل؛ شناخت؛ میل؛ اراده.

\* دانشجوی تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

Fh.rahbari@gmail.com

\*\* نویسنده مسئول: دانشیار، گروه علوم تربیتی، دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه

Hakimehsharifzadeh@gmail.com

مازندران، بابلسر، ایران

\*\*\* استادیار، گروه علوم تربیتی، دکتری مطالعات برنامه درسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه مازندران، بابلسر،

Abedini.gilan@gmail.com

ایران

## مقدمه و بیان مسئله

نظام تعلیم و تربیت در ساحت‌های مختلف در فراهم ساختن بستر تعالی افراد جامعه نقش دارد. با توجه به اینکه ظرفیت‌های متعدد وجوه انسانی نیازمند وحدت یافتن است، در مسیر تربیت، زیست جهان آدمی به طور معناداری در تجارب یادگیری تجلی پیدا می‌کند. از طرفی در این فرآیند به متریان کمک می‌شود تا وجوه اشتراک و افتراق خود را با سایر افراد درک کرده که موجب تسهیل در شناخت جوهر انسانی می‌شود تا خویشتن خویش را بازاندیشی کرده و آزادمنشانه زندگی کنند. این رسالت اصیل، ما را به مفهوم «هویت»<sup>۱</sup> رهنمون می‌سازد.

در عصر جهانی شدن که مرزهای فرهنگی و اجتماعی جوامع درنور دیده شد، تحول و سیالیت تبدلات فرهنگی، هویت را به یک مفهوم چالش برانگیز تبدیل کرده است. جهانی شدن زمینه‌های دسترسی انسان‌ها را به منابع مختلف هویتی فراهم می‌سازد. در این دسترسی، احساس از خود بیگانگی<sup>۲</sup> و احساس بی‌هویتی<sup>۳</sup> انسان را تهدید می‌کند (شمشیری، ۱۳۹۴). یکی از حوزه‌هایی که با مسئله هویت و فرایند شکل‌گیری هویت، ارتباط و پیوند معناداری دارد، حوزه تعلیم و تربیت است که در کاهش بحران‌های نام‌برده نقش دارد. جمله کانت که «بشر تنها با تعلیم و تربیت، آدم تواند شد و آدمی چیزی نیست جز آنچه تعلیم و تربیت از او می‌سازد» بیانگر ارتباط هویت و تربیت است.

نظام تربیتی هر جامعه متناسب با چشم‌انداز برنامه درسی برای شکل‌گیری هویت متریان برنامه‌ریزی می‌کند. در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش ایران که هویت اسلامی - ایرانی مورد نظر است، تربیت این گونه تعریف شد: «فرآیند تعاملی زمینه‌ساز تکوین و تعالی پیوسته هویت متریان، به صورتی یک پارچه و مبتنی بر نظام معیار اسلامی، به منظور هدایت ایشان در مسیر آماده شدن جهت تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبه در همه ابعاد» (صادق زاده و همکاران، ۱۳۹۰). بر این اساس هدف تربیت، هویت‌یابی است. القای هویت و اجبار در تعریف دیده نمی‌شود؛ زیرا «زمینه‌سازی» مدنظر سند تحول بنیادین است تا در متربی هویت تکوین یابد. می‌توان تکوین و تعالی هویت را به هویت‌یابی متریان تعبیر نمود. با توجه به این تعریف، برآیند کنش‌های

1. Identity
2. Alienation
3. Deindividuation

تربیتی در جهت هویت‌یابی خواهد بود؛ زیرا هویت‌متربی به‌منزله موضوع فرایند تربیت (فردی و اجتماعی) برای قرار گرفتن در مسیر هدایت و حیات طیبه نقش مهمی دارد.

هویت‌یابی، امری خلاقانه، حاصل ایجاد و آفرینش از سوی فرد هویت‌ساز است. این آفرینش، در بافت زندگی اجتماعی (خانواده و سایر نهادهای اجتماعی) صورت می‌گیرد (شمشیری و ذاکری، ۱۳۹۶: ۴۸). مقصود از آفرینش، آفرینش وضعیت هویتی است که به‌صورت آگاهانه، آزادانه و از روی اختیار، با پیمودن یک مجموعه از فرآیندهای هویتی دارای مؤلفه‌های هویت صورت می‌گیرد؛ به این معنا که پدیده‌ای خلاقانه بوده که متربی به نحو منحصر به فرد و با مسئولیت و تکیه بر ظرفیت درونی، تجربه‌های اجتماعی می‌آفرینند؛ به عبارتی زمینه‌های هویتی است. به همین سبب در پژوهش حاضر از هویت‌بخشی فراتر می‌رویم و هویت‌یابی مدنظر است که در نظام تعلیم و تربیت، متریان را در یافتن هویت فردی - اجتماعی توانمند سازد.

بنا بر اهمیت بیان‌شده، نیازمند نگاه فلسفی برای کندوکاو فرآیند هویت‌یابی هستیم. به‌منظور روشن ساختن هویت‌یابی و بهره‌جستن از دستاوردهای تربیتی این کندوکاو، لازم است مؤلفه‌های هویت‌یابی که در بند فوق جایگاهش تبیین گردید، استنتاج شود.

## مبانی نظری

در فلسفه، از عصر پیشاسقراطیان تاکنون، بحث‌های مختلفی درباره هویت مطرح است. نظریه‌پردازان حوزه روان‌شناسی مانند اریکسون و مارسیا نیز به حالت‌های هویتی پرداختند. در جامعه‌شناسی نیز اندیشمندانی مانند جنکینز، تاجفل و ...، هویت اجتماعی را بررسی کردند.

در فرهنگ توصیفی علوم تربیتی، هویت به معنی این‌همانی و اتحاد است. در مطالعه شخصیت نیز، خود اساسی و مستمر فرد، مفهوم درونی و ذهنی از خویش به‌عنوان یک شخص دارد (فر میهنی فراهانی، ۱۳۸۹: ۲۳۸). در فرهنگ آکسفورد، واژه هویت<sup>۱</sup> برگرفته از Idem یعنی مشابه و یکسان است. هویت در دو معنای کلی قابل بررسی است؛ هویت شخصی<sup>۲</sup> به اهداف، ارزش‌ها، احساسات و ترجیحاتی اشاره دارد که در تعاملات روزمره فردی به‌عنوان خویشتن ادعا می‌شود و تمایز افراد از یکدیگر را نشان می‌دهد و هویت اجتماعی که در مراحل اجتماعی شدن شکل می‌-

1. Identity

2. Personal identity

گیرد و از طریق تثبیت نقش، در روند برآورد فاصله نقش با هویت فردی و تحول نقش، توسعه می‌یابد. هویت اجتماعی در معنای کلی آن خودآگاهی یک شخص در ارتباط با دیگری است که به عنوان یک نشانگر واقعی به جایگاه فرد در ساختار اجتماعی اشاره دارد (وودوارد<sup>۱</sup>، ۲۰۰۴؛ اسپنسر<sup>۲</sup>، ۲۰۰۷؛ اسکچتر<sup>۳</sup>، ۲۰۱۱). ارزش‌های فردی و جمعی و میزان انطباق نقش‌های انتخابی فرد در جامعه، با گرایش‌ها و نظام ارزش‌های فردی او، رابطه‌ای تنگاتنگ دارد. هویت حاصل آفرینش خصایصی از سوی فرد هویت‌ساز است که موجب تمایز فردی با دیگران و تشابه با افرادی که در گروه خاص قرار می‌گیرند می‌شود.

در اندیشه پیشاسقراطیان موضوع و محور فلسفه، چستی جهان و چگونگی ترکیب یافتن جهان بود؛ اما سقراط با شعار «خودت را بشناس»، تحولی در کندوکاو معرفت نفس و خودشناسی ایجاد کرد (گوتک، ۱۳۸۰). سقراط برخلاف فلاسفه پیشین خود که به دنبال کشف ماده‌المواد بودند، بر موضع خودآگاهی تأکید ویژه داشت که همان هویت است. شیوه سقراط برای بیدار کردن هویت افراد عصر خویش و طی کردن مسیر خودآگاهی، دیالکتیک بود.

به‌طور عام، در جوامع سنتی عوامل متفاوتی تلاش می‌کردند تا اصالت هویت را حفظ کنند. هویت، مبین تجلی کار ویژه و نقش‌های اجتماعی - فرهنگی طایفه، قوم و قبیله و نظام خویشاوندی بود (نوذری، ۱۳۸۵). هویت پیشامدرن به هویت‌های سنتی، گذشته یا شخصی معروف است.

در قرن هفدهم، هویت گذشته، به تدریج جای خود را به هویت مدرن داد. مفهوم هویت مدرن به منزله هویت حال در بسیاری از گفتمان‌های فلسفی و پارادایم‌های نظری دوران مدرن تدوین و ارائه گردید. به‌طور نمونه، از نظر رنه دکارت (۱۶۵۰-۱۵۹۶)، من<sup>۴</sup>، سوژه‌ی فاعل‌شناسان به‌عنوان منبع مستقل معنی به شمار می‌رفت. به تنها چیزی که نمی‌توان در وجود آن شک کرد، وجود خود به شکل جوهر اندیشنده و ذات متفکر<sup>۵</sup> است.

در قرن هجده، مفهوم هویت اجتماعی توسعه یافت. به‌طور نمونه، هیوم (۱۷۷۶-۱۷۱۱) اعتقاد داشت من، مجموعه‌ای از تأثیرات، عقاید، احساسات و استعداد‌های دائماً در حال تغییر است (گوتک، ۱۳۸۰). به‌نظر وی، محتویات آگاهی هر شخص شامل ادراکات حسی تمام چیزهای است

1. Woodward
2. Spencer
3. Schachter
4. Ego
5. Thiking-substance

که به آن می‌اندیشد. براین اساس، هیوم نظریه هویتی را با عنوان نظریه «توده‌ای یا انباشتی خود» ارائه داد. (ادگار و سیدگویک<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵). می‌توان گفت هویت، توده‌ای از تأثیرات و ادراکات حسی است که فرد تازه تجربه می‌کند یا از گذشته به خاطر دارد و پیوسته در حال تغییر است.

هنری برگسون<sup>۲</sup> (۱۸۵۹-۱۹۴۱) فیلسوف فرانسوی، هویت مدرن را هویت جمعی معرفی کرد و بر ساخته در حال می‌داند. او هویت‌یابی را امری متعلق به حال بیان می‌کرد. به‌زعم وی گذشته همواره وجود دارد و جزء ذاتی حال به شمار می‌آید (نوذری، ۱۳۸۵). در جهان‌بینی مدرن، مسئولیت فردی نقشی بنیادین در تعریف هویت‌یابی پیدا کرد. موضوع محوری مدرنیته، خود آیینی است؛ جهت‌دهی به خود (کوته و لوین<sup>۳</sup>؛ ۲۰۱۴؛ نوذری، ۱۳۸۵). عاملیت انسان نسبت به عصر پیشامدرن افزایش یافته و به تبع آن هویت‌یابی معنای جدیدی به خود می‌گیرد.

نظریه پردازان انتقادی مکتب فرانکفورت مانند هورکهایمر، آدورنو، هابرماس و فوکو، معتقد بودند سوژه مستقل خودپایا که حاصل اندیشه‌های فلاسفه مدرن و دستاورد فرهنگ لیبرال به شمار می‌رود، در حال تجزیه است (نوذری، ۱۳۸۵). رشد جریان‌های انتقادی مکتب فرانکفورت و پساساختارگرایی، عامل اصلی تحول هویت فردی و یکپارچگی مدرن، به هویت پسامدرن، هویت‌های آینده یا در حال ظهور و بر آینده<sup>۴</sup> گردید.

در پدیدارشناسی، هویت، ماهیت معناشناختی دارد؛ به‌ویژه در آثار هایدگر<sup>۵</sup> (۱۸۸۹-۱۹۷۶) استنتاج‌هایی قابل تأمل است. از دید هایدگر، تلاش برای رسیدن به معنای هویت، مشروط به طرح پرسش درباره هستی هویت است که محصول تجربه انسان در این جهان است. تقدم معنا و هستی هویت، مشخصه‌های ارتباط هویت با زمان را نشان می‌دهد که گام مؤثری در شناخت هویت بود. با توجه به «جهان دوگانه» در اندیشه‌های هایدگر - یعنی جهان زندگی و جهان خاص - زمان و خصوصیات عصری در پیدایش هویت نقش دارند (هایدگر، ۱۳۸۶).

نظریه تأویلی هویت<sup>۶</sup>، توسط ویلهلم دیلتای<sup>۷</sup> (۱۸۳۳-۱۹۱۱) مطرح شده و به‌وسیله پل ریکور<sup>۸</sup>

1. Edgar & Sedgwick
2. Henri Bergson
3. Côté & Levine
4. Emergent
5. Heidegger
6. Identity Hermeneutical Theory
7. Dilthey
8. Paul Ricoeur

گسترش یافته است. بر اساس این نظریه، هویت انسان به طور بارزی در انعکاس خود واسطه شده<sup>۱</sup> واقعیت می‌یابد. شخص، دانش مربوط به خود را طی فرایندی که تجارب زندگی را همچون دانه‌های زنجیر به هم مربوط و مرتبط ساخته است و در قالب تجلیاتی که به صورت انعکاسی فهمیده و درون سازی شده‌اند، به دست می‌آورد. (دوران، ۱۳۸۹). پل ریکور (۲۰۰۵-۱۹۱۳)، مدل تأویلی را به نظریه هویت روایتی گسترش داده است. بر این اساس، روایت به عنوان مهم ترین نوع تجلی در زندگی روزمره افراد در فهم خود و ساخته شدن خود در نظر گرفته می‌شود؛ یعنی اعمال ما روایتی ضمنی را دربردارد و زندگی ما همواره در جست‌وجوی روایت است (همان: ۸۸).

امروزه دیدگاه توسعه هویت<sup>۲</sup> نیز مورد توجه بسیاری از پژوهشگران واقع شده است. طبق این دیدگاه، هویت‌یابی زمینه تصمیم‌گیری است که در آن فرد به بررسی گزینه‌ها و موقعیت‌های تصمیم‌گیری می‌پردازد. توسعه هویت، به معنای گسترده‌تر، شامل فرآیندهایی است که افراد، رویدادهای مختلف را به صورت سیستم‌های معنایی تجربه می‌کنند. بر این اساس، هویت‌یابی وابسته به زمینه مفهومی<sup>۳</sup> خواهد شد (اسکچتر، ۲۰۱۲). مفهوم هویت و هویت‌یابی در حال حرکت از هویت فردی به اجتماعی و توسعه یافتن است.

در نظریه‌های روان‌شناسی، اریکسون<sup>۴</sup> (۱۹۶۵) از پیشگامان مطالعه هویت، کارکرد هویت را ایجاد هماهنگی میان تصور فرد از خودش به عنوان یک شخص باثبات و تصور دیگران می‌داند. از نظر اریکسون، هویت، یک سازه روانی - اجتماعی است و شامل طرز فکر، عقاید فرد و نحوه ارتباط او با دیگران است. مارسیا<sup>۵</sup> در تفسیر نظریه اریکسون چهار منزلت هویت<sup>۶</sup> را بر مبنای میزان جست‌وجوی تعهدی که هر فرد تجربه می‌کند، تبیین می‌نماید. هویت سردرگم، دنباله‌رو، بحران‌زده و هویت یافته، چهار منزلت مورد نظر مارسیا هستند (دارابی، ۱۳۹۵). این نظریه با عنوان نظریه فرآیند یا منزلت هویت معروف است.

نظریه‌ی هویت اجتماعی که توسط تاجفل<sup>۷</sup> و همکارانش (۱۹۹۸) تدوین شد، نقش خود پنداره و فرآیندهای شناختی مرتبط با باورهای اجتماعی در فرایندهای گروهی و روابط میان گروهی

1. Mediated self-reflection
2. identity development
3. conceptual context
4. Dilthey
5. Marsia
6. Identity Status
7. Tajfel

دارد. این نظریه که ابتدا در دهه ۱۹۷۰ به‌عنوان یک رویکرد روابط بین‌گروهی معرفی شد و در آغاز دهه ۱۹۸۰ به‌طور قابل‌توجهی توسعه یافت، بیانگر فرایندهای گروهی و ماهیت گروه اجتماعی بود. از آن زمان، نظریه هویت اجتماعی به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای بر نفوذ اجتماعی و هنجارهای گروهی، رهبری درون و بین‌گروه‌ها، انگیزه‌های خودکفایی و انعطاف در رفتار جمعی تمرکز دارد. (اسپنسر<sup>۱</sup>، ۲۰۰۷؛ شومیکر و تویبا<sup>۲</sup>، ۲۰۱۸).

نظریه انسان به‌منزله عامل، با نظریه‌پردازی خسرو باقری - که به‌عنوان نظریه‌ای فلسفی - کوششی در جهت تبیین ماهیت آدمی و عمل وی محسوب می‌شود - مبنای غنی و مستدل در این پژوهش برای استخراج مؤلفه‌های هویت‌یابی است و از طرفی مبنای این نظریه برگرفته از آیات قرآن است و بیش از سایر رویکردها در جامعه اسلامی ایرانی کاربرد دارد. در نظریه انسان عامل، عمل آدمی سازنده هویت اوست. در این نظریه سه مبدأ برای عمل، شناخت، میل و اراده معرفی شد؛ بنابراین، مؤلفه‌های هویت انسان می‌تواند برخاسته از سه عنصر شناخت، میل و اراده باشد.

### نظریه انسان به‌منزله عامل

انسان به‌منزله عامل، تصویری است که نگرش اسلامی در مورد انسان به دست می‌دهد. «عاملیت انسان» پیش‌فرضی در انسان‌شناسی اسلامی است. به نظر باقری - نظریه‌پرداز این نظریه - «انسان به‌منزله عامل» صورت‌بندی وسیع و فراگیری است که انسان را فراتر از طبقه‌بندی‌های خود موردنظر قرار می‌دهد؛ خواه طبقه‌بندی آیینی همچون مؤمن / مشرک یا طبقه‌بندی جنسی زن / مرد یا نژادی و نظیر آن. به بیان دیگر، بالاترین افقی که قرآن ما را به نگریستن از آن به انسان فرامی‌خواند، این است که انسان را به‌منزله عامل در نظر بگیریم. مؤمن یا مشرک، زن یا مرد، سفید یا سیاه؛ همه افراد به‌منزله عامل‌اند که هرچند، هر یک متناسب با عمل خویش، هویت معینی را برای خود می‌سازد؛ اما همه منشأ عمل‌اند و با عمل خود، هویت خود را می‌سازند (باقری، ۱۳۸۲).

نظریه انسان به‌منزله عامل، به‌خاستگاه انسان‌شناسی و شناخت‌شناسی ویژه برگرفته از متون اسلامی - به‌طور اخص آیات قرآن - وابسته است. در تبیین انسان‌شناختی این نظریه، تصویر انسان در قرآن، سخت هسته محسوب می‌شود؛ موجودیت آدمی که در قرآن با واژه «نفس» از آن یاد شده است. نفس مجموعه بدن و روحی است که به آن تعلق گرفته است. نفس آدمی حالت‌های مختلف

1. Spencer

2. Shoemaker & Tobia

دارد. نفس اماره که تمایلی به نیازهای اولیه و غریزی است، در معنایی می‌تواند خنثی باشد؛ اما در حالتی که مشتعل شود می‌تواند چندان نیرومند گردد که مرزهای اخلاقی را درنوردد. حالتی از نفس به نام نفس لوامه برای انتقاد خویش به هنگام درنوردیدن مرزها و روی آوردن به ناراستی‌ها پس از فروکش کردن عناصر مختلفی از درون و بیرون بر نفس اثر می‌گذارد. سومین حالت نفس، هنگام توجه آدمی به خدا ظهور می‌کند که آرامش عمیقی در نفس پدید می‌آورد (باقری، ۱۳۸۲: ۲۶۰). یکی از مهم‌ترین عناصر درونی، فطرت است. معرفت و تمایل درونی به خدا در عمق ضمیر انسانی وجود دارد. عنصر دیگر، قلب (فؤاد یا صدر) به‌عنوان پایگاه احساس، ادراک و اراده در موجودیت آدمی محسوب می‌شود. آرایش نیروهای مؤثر آدمی، در آیات قرآن طبق مشیت الهی با جبر و قهر رابطه ندارد؛ بلکه خواست و اراده فرد، نیروی تعیین‌کننده اقدام و عمل است.

در این پویش مستمر، عامل بازشناسی و راه‌یابی یعنی عقل، با پویدن در پرتو شناخت‌ها فرد را به عمل می‌رساند. عقل نیز شأنی از نفس و سرمایه اصلی است که از آن به «معرفت ممیز نفس» یاد می‌شود. در حقیقت، سیمای انسان به گونه‌ای است که نفس شئونی دارد، از جمله فطرت، عقل، اراده و قلب (باقری، ۱۳۸۵).

عرصه موجودیت یا هویت آدمی، میدان پرازدحام از عوامل و نیروهای مختلف است. برآیند نهایی این عوامل و نیروها، «عمل» آدمی است؛ عملی که هم از آن اوست و هم سازنده وی و شکل‌دهنده به هویت اوست. به گفته دیگر، این صفحه پرازدحام از عوامل و نیروها، مانع از آن نیست که آدمی قادر بر عمل و منشأ عمل خود باشد. همین سعی و عمل آدمی، هویت وی را ترسیم می‌کند.

در متون اسلامی به ویژه قرآن، سه نوع مبنای اساسی برای عمل در نظر گرفته شد: مبنای شناختی، گرایشی و ارادی - اختیاری. براین اساس، عملی به انسان نسبت داده می‌شود که فرد تصویر و تصور شناختی از آن بیابد، گرایش و تمایلی برای تحقق آن داشته باشد و اراده اختیار وی به تحقق بخشیدن آن معطوف گردد. مفاهیمی چون انگیزه و نیت نیز در خلال مبنای سه‌گانه مذکور قرار می‌گیرد. انگیزه به‌عنوان نیروی هیجانی مربوط به عمل، به مبنای گرایشی اشاره دارد و نیت، متضمن قصد فرد (خواست) ذیل مبنای ارادی - اختیاری است. با توجه به اینکه عامل بودن انسان در کانون هویت و کیستی او قرار می‌گیرد، انتظار می‌رود عمل بتواند جایگاهی گسترده در موجودیت وی داشته باشد (باقری، ۱۳۸۲).



در نظریه انسان به‌منزله عامل، بر اساس دیدگاه قرآنی، اعمال فرد، هویت او را می‌سازد. هر فرد به تناسب عمل خویش و تعامل با محیط پیرامونش، هویت معینی را برای خود رقم می‌زند. در فراترین سطح ماهیت انسان، افراد در عامل بودن مشترک و دست‌اندرکاران آفریدن هویت خویش هستند. در سطحی فروتر، با نظر به سنخ اعمال بشری و انواع هویت‌هایی که برحسب آن‌ها فراهم می‌آید، در دو گونه تقسیم‌بندی شد؛ عمل‌رهایی‌بخش و عمل‌اسارت‌آفرین. در گونه نخست، وجود فرد بر پایه خردورزی، اراده کارگزار عقل است، معرفت و میل ساحت ربوبی خداوند (فطرت) بیدار است و امیال در کنترل عقل و اراده حرکت می‌کند. در گونه دوم عمل، وجود فرد و اراده در خدمت امیال است، از پرتو عقل و شعله فطرت، به‌ندرت اشاعه نور خواهد شد و اعمال در بند هوا و هوس قرار می‌گیرد. (باقری، ۱۳۸۲؛ باقری و خسروی، ۲۰۱۶).

### پیشینه عملی

پژوهش‌های کمی و کیفی متعددی به مسائل پیرامون هویت ملی، بومی، دینی و حرفه‌ای پرداختند. برخی پژوهشگران نیز هویت را از دیدگاه اندیشمندان بررسی نمودند. طبق جست‌وجوهای به‌عمل‌آمده، پژوهشی مشابه مقاله حاضر انجام نشد که به واکاوی مؤلفه‌های هویت‌یابی در نظریه انسان به‌منزله عامل بپردازد. آن دسته از تحقیقات که مفهوم هویت را تبیین نمودند، مورد توجه واقع شدند که به بعضی از این تحقیقات اشاره می‌شود:

ذاکری (۱۳۹۴) طی پژوهش پدیدارشناسانه، بر اساس آرای تعدادی از فلاسفه از دوره‌های تاریخی مختلف، مدل هویت‌یابی و مؤلفه‌های هشت‌گانه هویتی ارائه داد. نتایج تحقیق وی نشان داد نظام تعلیم و تربیت در ایفای نقش هویت‌بخشی بایستی سه مرحله بازیابی هویت خویشتن، بازتعریف مفاهیم کلیدی و به انجام رساندن اقدامات سه‌گانه - شامل اقدامات مقدماتی، اقدامات میانی یا آموزشگاهی و اقدامات تکمیلی - را پشت سر گذارد.

نیازی و عسکری (۱۳۹۱) در پژوهشی تحت عنوان «تبیین گونه‌های الگویی هویت‌یابی» با روش پیمایشی، سه الگوی هویت‌یابی سنتی، مدرن و سرگردان را بین دانش‌آموزان متوسطه شناسایی و رابطه آن را با تحصیلات والدین مطالعه کردند. در پژوهش وی، سبک الگویی سنتی غالب بود و رابطه معناداری میان سبک هویت‌یابی و سطح تحصیلات مادران وجود داشت.

توسلی و ابراهیم پور (۱۳۹۰) در مقاله «هویت‌یابی مدرن و سرمایه اجتماعی دانشجویان»

بر مبنای تعریف هویت بازاندیشانه از دید آنتونی گیدنز، هویت‌یابی در دنیای مدرن را ملاک تقسیم‌بندی سنتی و مدرن قرار داد. بر اساس نتایج تحقیق، نسبت دانشجویانی که هویت اجتماعی مدرن و سرمایه اجتماعی متوسط و پایین دارند، بیشتر از کسانی است که هویت اجتماعی سنتی و سرمایه اجتماعی متوسط و زیاد دارند.

نوذری (۱۳۸۵) در پژوهشی با عنوان «نگاهی تحلیلی به مفهوم هویت در قالب‌های سه‌گانه سنتی، مدرن و پست‌مدرن» سه قالب عمده هویتی را تبیین نمود. در نتیجه پژوهش، گزاره‌های اصلی از این سه تفسیر ارائه داده شد. نخستین قالب هویتی، اساساً پیکره‌ای واحد و شخصی بود؛ دومین گونه هویتی، ناظر بر تغییرات مناسبات زمانی - مکانی موجود بوده است و سومین قالب هویتی، ناظر بر سوژه‌ها با حالت سیال، متکثر و چندگانه به هویت پسامدرن معروف گردید.

شومیکر و توییا (۲۰۱۸) در مقاله «هویت شخصی»، تئوری‌های عمده فلسفی هویت شخصی را بررسی می‌کنند. این مطالعه نشان می‌دهد ویژگی‌های اخلاقی، نقش مهمی در شکل‌گیری هویت شخصی دارند. تغییر در این خصوصیات اهمیت بسیار دارد. و نه تنها تغییرات در خصایصی از قبیل مهربانی و بی‌رحمی، بر قضاوت هویت تأثیر می‌گذارد؛ بلکه تأثیر نوع و جهت خاص تغییرات افراد نیز در شناسایی هویت نقش دارد.

باقری (۲۰۱۴) در پژوهش «اسلام و فلسفه تربیت» تبیین کرد که عمل انسان، هویت او را می‌سازد و تعامل بین انسان‌ها منجر به کنش جمعی و هویت می‌شود. با توجه به تعامل نا هم‌تراز در تربیت، اعمال فرد به صورت درونی و بر افراد دیگر تأثیر خواهد داشت.

اسکچتر و گالیلی (۲۰۱۲) در مقاله «سواد هویت»، خواندن و تدریس متون را به عنوان منابع برای تشکیل هویت معرفی نمودند. دانش آموزان در تجارب مطالعه محتوای آموزشی با مجموعه مفاهیم آشنا می‌شوند که ظرفیت‌های یادگیری دانش و مهارت‌های زندگی را دربردارد.

اسکچتر (۲۰۱۱) در مقاله «آموزش هویت» به بررسی محتوا، ساختار هویت و فرآیند هویت-یابی می‌پردازد. وی آموزش هویت را مشارکت عمدی فعالان تربیتی (مربیان) با فرآیندهای روانی و اجتماعی که در توسعه هویت دانش آموزان نقش دارند، بر مداخلات عمدی و اعمال هدفمندانه‌ای تأکید می‌کند که هویت را در خدمت اهداف آموزشی هدایت و برجسته می‌سازد.

آیگی<sup>۱</sup> (۲۰۱۰) در پژوهشی به بررسی رابطه هویت و زبان پرداخت. طبق نتایج این پژوهش،

انسان از اوایل زندگی، با استفاده از زبان و انتخابات زبانی، بخشی از هویت محسوب می‌شوند. زبان و هویت رابطه دیالکتیکی دارند. هویت فراگیران بر یادگیری تأثیر دارد و از طرفی در محیط‌های آموزشی، یادگیری زبان در شکل‌گیری هویت نقش دارد.

باقری و خسروی (۲۰۱۰) در مقاله «یک مفهوم پویا از انسانیت، رابطه بین فرهنگی و یادگیری مشارکتی» بیان می‌دارند یادگیری نه صرفاً به دست دانش‌آموز و نه صرفاً به دست معلم محقق نخواهد شد؛ بلکه یادگیری مشارکتی است و با تعامل و ارتباط متقابل معلم و دانش‌آموز در بستر فرهنگ معنا دارد.

اسپنسر (۲۰۰۷) به منظور مفهوم‌پردازی دقیق هویت، نظریه‌های هویت را دسته‌بندی نمود که هویت اجتماعی تاجفل و نظریه خود مقوله‌بندی ترنر را در حوزه نظریات اجتماعی قرارداد و بین نظریه‌های روان‌شناختی هویت شخصی و اجتماعی نیز تمیز قائل می‌شود. هویت شخصی به تعریف خود به عنوان فردی منحصر به فرد و هویت جمعی، به تعریف خود به عنوان عضوی در گروه اشاره دارد.

باقری و خسروی (۲۰۰۶) در پژوهش «بازاندیشی در مفهوم تربیت اسلامی»، بیان کردند انسان می‌تواند هویت خود را بسازد. هویت ژنتیکی، جنسی و ملی به فرد داده شدند ولی هسته اصلی هویت با اعمال فرد ساخته می‌شود. محتوای خاص شناخت، اراده و میل را نشان‌گر هویت فرد معرفی کردند.

کیم<sup>۱</sup> (۲۰۰۴) در پژوهشی با عنوان «هویت ملی و برنامه درسی در کشور کانادا» به رابطه میان آموزش و هویت ملی می‌پردازد. نتیجه این پژوهش نشان داد که دولت کانادا زمینه آموزش اجباری را برای اتحاد، انسجام ملت و ایجاد هویت ملی است. هم‌چنین بیان نمود مدارس را باید یکی از مکان‌هایی دانست که در آن هویت ملی مشترک شکل می‌گیرد، کودکان آماده شهروند دموکراتیک شدن می‌شوند و در مورد گروه‌های قومی تازه‌وارد که ممکن است درک مشوشی از هویت ملی داشته باشند، مدارس می‌توانند به‌منزله عامل تعادل‌بخشی محیط فرهنگی خانواده باشند. لی بیونگ<sup>۲</sup> (۲۰۰۲) در تحقیق «رابطه میان آموزش و هویت ملی»، بیان می‌کند که کشورهای مختلف دنیا از جمله کره، تصمیم دارند از طریق آموزش رسمی، زمینه را برای مردم مهیا بسازند تا

1. kim

2. Leebyung

آنان مانند خودشان زندگی کنند. این نوع آموزش، در راستای ایجاد هویت ملی و فرهنگ پذیری نوجوانان عمل می‌کند و هدف آن، ایجاد وحدت درون فردی با وجود تعارض‌های الگویی جامعه است.

به نظر می‌رسد نظریه‌های موجود و پژوهش‌های انجام‌شده، مفهوم هویت را آشکار ساختند و حتی افراد را در حالت‌های هویتی دسته‌بندی کردند؛ اما هنوز معرفی دانش و توانشی که فرد لازم دارد تا هویت خویش را بسازد، مغفول مانده است. با توجه به اینکه هویت افراد از اعمال آن‌ها جدا نیست، می‌توان واکاوی مؤلفه‌های هویت‌یابی را در نظریه‌هایی جست‌وجو نمود که به زوایایی از عمل انسان پرداختند.

### روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر ماهیت، کیفی محسوب می‌شود. برای یافتن پاسخ سؤالات پژوهش از روش تحلیلی - استنتاجی استفاده شده است. از رویکردهای پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت، روش این پژوهش به روش تحلیلی - استنتاجی نزدیک‌تر است. سعی شد مؤلفه‌های هویت‌یابی از نظریه انسان به منزله عامل استنتاج شود، در صورتی که در این نظریه مؤلفه‌های هویت‌یابی به‌طور مستقیم ارائه نگردید.

در یکی از دسته‌بندی‌های روش تحلیلی، این روش به سه دسته تقسیم شده است: تجزیه به اجزای مفهومی؛ ترجمه و بازگردان صورت دستوری گزاره‌های زبانی به صورت منطقی آن‌ها و جست‌وجوی ارتباط میان مفاهیم مختلف و بازشناسی روابط و شبکه مفهومی (باقری، ۱۳۸۹). از نظر تحلیلی مراحل انجام پژوهش حاضر بر پایه سومین دسته روش تحلیلی انجام شد؛ به طوری که ارتباط میان عمل در نظریه انسان عامل و هویت برقرار گردید، سپس از مبادی عمل مؤلفه‌هایی استنتاج گردید که رابطه عمل و هویت را آشکار می‌ساخت. در نهایت مدلی مفهومی و خطی برای هویت‌یابی ارائه شد. به تعبیر رایل (۱۹۴۹) می‌توانیم این فعالیت تحلیلی را رسیدن به جغرافیای منطقی<sup>۱</sup> از مفاهیم در نظر بگیریم (همان). این پژوهش بر اساس استنتاجی اولیه شکل گرفت:

طبق نظریه انسان به منزله عامل، عمل آدمی سازنده هویت اوست. برای عمل، سه مبادی یعنی

شناخت، میل و اراده وجود دارد.

1. Logical geography

بنا بر دو مقدمه فوق می‌توان استنتاج کرد که «انسان در یافتن و ساختن هویت خویش، فرآیندی برخاسته از سه عنصر شناخت، میل و اراده خواهد داشت.»  
ابتدا از کتب و مقالات خسرو باقری، نظریه‌پرداز نظریه انسان به‌منزله عامل، هویت و هویت‌سازی، مطالعه شد. پس از غور در مبادی عمل و آثار دوگانه‌ای که عمل بر جای می‌گذارد، مؤلفه‌های هویت‌یابی استنتاج گردید. علاوه‌براین، به‌منظور تبیین دقیق‌تر هر مؤلفه، شاخص‌سازی صورت گرفت. در این مرحله منابع موجود درباره هویت‌یابی نیز مورد توجه قرار گرفت.

### سؤالات پژوهش

هدف اصلی پژوهش حاضر، استنتاج مؤلفه‌های هویت‌یابی در نظریه انسان به‌منزله عامل است. به این منظور کوشش شد تا سؤالات زیر را بررسی کنیم:

۱. فرآیند هویت‌یابی بر اساس نظریه انسان به‌منزله عامل چه مؤلفه‌هایی دارد؟
۲. هر یک از مؤلفه‌های هویت‌یابی استنتاج شده بر اساس نظریه انسان به‌منزله عامل، چه شاخص‌هایی (زیر مؤلفه‌ها) دارند؟

### یافته‌های پژوهش

سؤال اول: فرآیند هویت‌یابی بر اساس نظریه انسان به‌منزله عامل، چه مؤلفه‌هایی دارد؟  
شروع فرایند هویت‌یابی با قرار گرفتن فرد در یک زمینه مبنایی هویتی است. پس‌ازاینکه فرد با مجموعه‌ای از زمینه‌های هویتی مواجه شد، یک تصویر اولیه از حضور در آن زمینه ویژه برای وی حاصل می‌شود که معادل با فرایند خروج از بی‌تعیینی است. فرد در راستای توسعه این تصویر، نشانه‌هایی از وضعیت جدید هویتی را در خود بروز می‌دهد. مؤلفه‌های هویت‌یابی نیز در حدفاصل مرحله خروج از بی‌تعیینی تا مرحله استقرار هویتی در فرد ظهور می‌یابد. این مؤلفه‌ها، فرایندهایی هستند که با رویارویی با زمینه هویتی در فرد شروع و تا رسیدن به مرحله استقرار کامل وضعیت هویتی ادامه دارند (ذاکری، ۱۳۹۴). به‌منظور بررسی سؤالات پژوهش و با توجه به اینکه طبق نظریه انسان به‌منزله عامل، عمل بر سه مبدأ اصلی شناخت، میل و اراده استوار است و آثاری نیز دارد که در ادامه، به استنتاج مؤلفه‌های هویت‌یابی و شاخص‌های هر مؤلفه از مبادی عمل و آثار عمل می‌پردازیم:

۱. مؤلفه خودآگاهی<sup>۱</sup> در هویت‌یابی

در نظریه انسان به‌منزله عامل، عمل انسان ریشه در شناخت، میل و اراده دارد (باقری، ۲۰۱۶). مبدأ شناخت، دربردارنده مفهوم‌ها و جنبه‌های انگاره، گمان و باور است. در قرآن گاهی عمل آدمی را با انگاره (حسبان) فرد، تحلیل و تبیین می‌کند. عمل به سرابی در کویر تشبیه شده است که تشنه، آن را آب می‌انگارد: «اعمالهم کسراب بقیعه یحسبه الظمأن ماء» (نور: ۳۹). همان‌گونه که سراب به مدد انگاره فرد تشنه، آب انگاشته می‌شود، عمل نیز گاهی مبتنی بر انگاره عامل است؛ یعنی بدون این انگاره، نمی‌توان عمل را فهمید.

گاهی عمل برحسب گمان عامل تبیین می‌شود. انگاره و گمان هر دو ناظر به حکم کردن امری است که نقیض آن نیز محتمل است؛ با این تفاوت که در انگاره، فرد به یک طرف نقیض توجه ندارد؛ درحالی‌که در گمان، هر دو امر، مورد توجه اوست و یکی را به دیگری ترجیح می‌دهد. گاهی نیز عمل بر مبنای باور (یقین) تبیین می‌شود. در عملی که مبتنی بر باور باشد، دیگر احتمال طرف دوم نقیض برای فرد مطرح نیست؛ بلکه او با فهم استوار به‌طور قاطع و ثابت حکم می‌کند. (باقری، ۱۳۸۲: ۲۶۳).

هویت شخص، مستلزم آگاهی بازتابی است. آگاهی به خویشتن در هویت‌یابی، سازه‌ای نیست که در نتیجه تداوم کنش‌های اجتماعی فرد به او تفویض شده باشد؛ بلکه فرد باید آن را به‌طور مداوم و روزمره ایجاد کند و در فعالیت‌های بازتابی خویش حفاظت و پشتیبانی کند. تداوم این تفسیر شامل مؤلفه‌های شناختی «شخص بودن» نیز می‌شود. شخص بودن تنها به معنی فاعل بودن نیست بلکه هم برای خود و هم برای دیگران، مفهومی آشنا و معمول است. از طرفی هویت، تصویری بازتابی از خویشتن است که فرد مسئولیت آن را بر عهده دارد. حقیقت وجود چیزی است که از خویشتن می‌سازیم. اعمال و رفتارهای سازنده‌ای که فرد در پیش می‌گیرد، در شکل‌گیری هویت تأثیر می‌گذارد. بازتابندگی هویت، مداوم و همه‌گیر است (گیدنز، ۱۳۸۵: ۸۱). آگاه بودن بر اعمال خویش، آغاز مسیر هویت‌یابی محسوب می‌شود؛ زیرا فرد با شناخت خویش، از تجارب خود معنا خلق می‌کند. افراد با خلق معنا در بعد فردی و اجتماعی، باب شناخت مسائل مختلف را بر خود می‌گشایند تا در عرصه‌های گوناگون مشارکت داشته باشند و مسئولیت اعمال خود را بر عهده

بگیرند. آگاهی بر خود (خودآگاهی)، کانون تمرکز و دقت درونی است که استنادهای شخصی (حالات هیجانی و نگرش‌ها) و هویت فردی موردنظر است. در صورت توجه به بیرون و آگاهی بر عوامل اجتماعی (هنجارها و ارزش‌های گروه و جامعه)، هویت اجتماعی مطرح می‌شود (دوران، ۱۳۸۹).

مؤلفه خودآگاهی در نگاه نخست از پایه شناختی یا معرفتی عمل استنتاج می‌شود؛ ولی در یک باهم‌نگری به مبانی عمل، می‌یابیم که انسان برای خودارزیابی، به بازنگری در میل و اراده خویش نیز می‌پردازد؛ به‌ویژه در مرحله کودکی که عمل بیشتر بر میل مبتنی است تا شناخت و اراده. انسان علاوه بر آگاهی پیدا کردن به خویش، با سازمان‌دهی تعارض‌ها، در میان امیال انتخاب می‌کند. انسان به‌منظور استقرار یافتن در وضعیت هویتی، نسبت به زمینه، شناخت و آگاهی پیدا می‌کند. اولین شناخت زمینه هویتی، آگاهی از خود است. خودآگاهی با معرفی و توصیف خود آغاز می‌شود که برای بازبینی نیازمند خودارزیابی است.

## ۲. مؤلفه ارزشمندی در هویت‌یابی

طبق مبانی عمل و آثاری که عمل دارد، شناخت نسبت به عمل، صرفاً از طریق خودآگاهی به دست نمی‌آید. انسان در تعامل با دیگران نیز می‌تواند بر عمل خویش وقوف یابد؛ زیرا بخشی اعمال انسان با توجه به هویت جمعی شکل می‌گیرد.

مبنای گرایش یا میل به تمایلات و هیجان‌ات اشاره دارد؛ اعم از هیجان‌اتی که معطوف به عمل شود مانند امید، خشنودی خاطر و شوق یا موجب پرهیز از عمل می‌شود مانند بیم و گریز. مفهوم «کشش» و «میل» یکسان نیست؛ کشش، نوعی جهت‌گیری است که می‌تواند به نحو غریزی در فرد باشد. از این حیث، کشش می‌تواند قبل از شناخت در فرد ایجاد شود؛ اما میل، برخاسته از نوعی شناخت است. هنگامی که فرد توانایی معرفتی یافت، این توانایی، تصور و تصویری از عمل فراهم می‌آورد. انسان به‌واسطه این تصویر، نسبت به عمل جذب می‌شود یا گریز پیدا می‌کند، به همین دلیل مبنای شناختی مقدم بر مبنای میلی است (باقری، ۱۳۸۲). البته در کودکان، شناخت و معرفت متأثر از امیال آنهاست؛ زیرا کودک به دنبال شناخت امری است که متناسب با نیازها و امیال او باشد (آزادمنش و همکاران، ۱۳۹۵).

انسان از نقطه شکوفایی میل تا عمل به آنچه از میل نشأت گرفته ممکن است شرایط گوناگون

را تجربه کند. با توجه به اینکه در سلسله اعمال به استقرار هویتی دست می‌یابد، لازم است به ارزش حرکت خویش پی ببرد. مقدمه شناخت ارزش زمینه‌های هویتی و موقعیت‌ها، درک ارزشمندی خویش است. طبق استنتاج ارزشمندی در نظریه انسان به منزله عامل، دو شاخص «دیگر ارزیابی» و «شباهت و تفاوت با دیگران» قابل بررسی است:

فرد زمینه‌ای را به عنوان هویت خود برمی‌گزیند که هم از سوی خودش و هم از سوی جمع، ارزشمند تلقی شود. تجربه احساس ارزشمندی در ارتباط با یک زمینه هویتی، بخشی از هویت وی است. این تلقی برای وی برانگیزاننده و محترم است (ذاکری، ۱۳۹۴:۱۹۱). حفظ احساس ارزش به خود، وابسته به تجربیاتی است که سبب ایجاد عواطف و هیجانات ارتقا یافته شوند. در واقع، موقعیت‌هایی که در بردارنده شایستگی‌های فرد شوند، ارزش به خود را خلق می‌کند (کاست، ۲۷۳:۱۳۹۱).

با وجود اینکه معیار ارزشمندی نزد افراد متفاوت است، وقتی ارزشمندی عمل فرد علاوه بر خود ارزیابی، از مؤلفه آگاهی توسط نظر فرد دیگر یا گروهی از افراد نیز ارزیابی شود، در جریان هویت‌یابی، تفکر واگرا و چندجانبه را تقویت می‌کند. مطابق طرح‌واره انسان به منزله عامل، بعد شناختی، عمل را می‌یابد؛ زیرا در مقوله شناختی عمل این نظریه، مفهوم‌ها و جنبه‌های انگاره، باور و گمان در نظر گرفته می‌شود.

### ۳. مؤلفه وحدت در هویت‌یابی

انسان با داشتن فطرت الهی، برخوردار از عواطف، تمایلات و استعداد های طبیعی و تأثیر پذیری نسبی از عوامل محیطی و وراثتی، در اثر نوع استفاده از عقل خویشتن و چگونگی درک موقعیت‌های مختلف (معرفت) و نحوه مواجهه اختیاری با آن‌ها (درباره باور، گرایش، اراده و عمل فردی و جمعی)، به تدریج واقعیتی مشخص و سیال (پویا) در دو بعد فردی و اجتماعی می‌یابد که از آن با نام «هویت» (یا شاکله در تعبیر قرآنی) یاد می‌شود (صادق زاده و همکاران، ۱۳۹۰:۱۳۱). در حقیقت مسیر هویت‌یابی با تکرار وضعیتی مواجه است. افراد با اولویت‌بندی امور می‌توانند در فعالیت‌های جمعی، توأمان ابعاد فردی و اجتماعی را در هویت خویش متجلی سازند. فرد پس از شناخت و گرایش به عمل، وقتی در هویت‌یابی با تعارض مواجه می‌شود، بر مبنای اراده عمل، تعارض‌ها را سازمان‌دهی کرده و وحدت می‌بخشد؛ بنابراین، مؤلفه وحدت شاخص‌های



«اولویت‌بندی امور» و «مشارکت در فعالیت جمعی» را دارد.

در نظریه انسان به‌منزله عامل، معنای خواست (اراده) و خواسته (مراد) متفاوت است. نحوه تعلق مشیت خدا به انسان چنین نیست که خواسته‌های او را رقم بزند؛ بلکه «خواست» را در او تحقق می‌بخشد، اینکه انسان بتواند «بخواهد»؛ به همین سبب انسان در برابر خواسته‌هایش مسئول است. همین دلیل بارز اختیار آدمی است (باقری، ۱۳۸۵؛ باقری و خسروی، ۲۰۰۶). بنابراین در انسان، خواستن قوه است و خواسته‌ها مصادیق متعددی دارند که عنصر اراده شامل نیت، خواست و اختیار می‌شود. دو مبنای میل و اراده تفاوت قابل توجهی با یکدیگر دارند. میل از مقوله اراده نیست. انسان در وادی میل، با فعلیتی همراه است بی آنکه امکان دیگری برایش وجود داشته باشد؛ اما وقتی از اراده سخن می‌گوییم، امکانی به ظهور می‌رسد که ناظر به پذیرش یا طرد امیال موجود است (باقری، ۱۳۸۲).

#### ۴. مؤلفه اقتدار در هویت‌یابی

اقتدار، بیانگر داشتن اعتماد و اطمینان در تغییر دادن اموری در زندگی برای رفع نیازها است. احاطه و تسلط بر تصمیمات زندگی دیده می‌شود و از طرفی موجب توانایی تحقق بخشیدن به افکار می‌شود که انسان، خود را مصدر صدور اعمال خویش بداند (کاست، ۱۳۹۱:۲۵۴). فرد نسبت به موقعیت‌هایی گرایش نشان می‌دهد که هم خود شکوه و قدرت داشته باشد و هم دامنه توانایی‌ها و عزت نفس وی را توسعه دهد (شمشیری و ذاکری، ۱۳۹۶:۱۶). در جریان هویت‌یابی، وجود اقتدار در ارتباط با یک زمینه هویت‌بخشی از هویت فرد خواهد شد. انتخاب و تصمیم‌گیری انسان و در نظر گرفتن نتیجه عمل برای یافتن صحت عمل و حتی طرح‌ریزی برای اعمال پیش‌رو، دو شاخص مهم در ظهور اقتدار هویتی می‌باشند.

سؤال دوم پژوهش: هریک از مؤلفه‌های هویت‌یابی استنتاج‌شده بر اساس نظریه انسان به‌منزله عامل، چه شاخص‌هایی (زیر مؤلفه‌ها) دارند؟

۱) مؤلفه خودآگاهی، دو شاخص «معرفی و توصیف خود» و «خودارزیابی» را دارد.

- معرفی خود و توصیف احساسات، هیجانات، علاقه‌مندی‌ها، نیازها و توانمندی‌های خویش یکی از شاخصه‌های هویت، خودآگاهی است. از طرفی از نهاد و سرشت خود انسان برمی‌خیزد که با کشف و شهود به معنی عام پیوند می‌خورد. خودآگاهی بر مبنای اندوخته‌ها و تجارب فردی و گروهی حاصل می‌شود؛ هویت فرد در جامعه به آگاهی از خود و بینش اجتماعی او در محیط

اجتماعی و زیستی ربط پیدا می‌کند (کاست، ۱۳۹۱).

در نظریه انسان به منزله عامل که عمل آدمی سازنده هویت اوست، معرفت به‌عنوان اولین پایه عمل، فرد را به حرکت شناختی در هویت‌یابی هدایت می‌کند. مادامی که فرد بر خویشتن آگاه نباشد، ممکن است نتواند در شناخت و تشخیص اعمال خود و دیگران توفیق یابد. حتی علاوه بر مبنای شناختی عمل، مبنای گرایشی پایه‌ای برای معرفی و توصیف خود در هویت‌یابی دارد. در مبنای گرایشی، میل به تمایلات و هیجانات مورد توجه عامل قرار می‌گیرد، اعم از هیجاناتی که معطوف به عمل یا موجب پرهیز از عمل شود.

درک انسان به عمل، صرفاً با شناخت هدف عمل برانگیزاننده نیست؛ بلکه طبق مبنای گرایشی، ادراک‌های برانگیزاننده، مسبوق به میل هستند (باقری، ۱۳۸۲). به همین دلیل فرد در توصیف خود، با بیان احساسات، هیجانات، علاقه‌مندی‌ها و توانمندی‌ها، جنبه‌های مختلف عمل را وصف می‌کند. عمل انسان عامل، دو نوع اثر برگشتی دارد (باقری، ۱۳۸۲). این آثار علاوه بر اینکه مترتب موقعیت می‌شود، متوجه عامل نیز هست. فرد برای آگاهی یافتن بر آثار عمل خود ابتدا باید خویش را بشناسد.

با توجه به اینکه نظام تعلیم و تربیت در حوزه‌های مختلف می‌تواند آگاهی‌بخش باشد، ابتدا لازم است کمک کند فرد هویت یاب وضع و حال خود را درک نماید (شمشیری و ذاکری، ۱۳۹۶) و معرفی و توصیف خود، اعم از معرفی اطلاعات شناسنامه‌ای، بیان احساسات، عواطف، علاقه‌مندی‌ها و توانمندی‌های خود را در برمی‌گیرد. علاوه بر معرفی شناسنامه‌ای در هویت‌یابی، توصیف چهارعنصر فوق نسبت به خود، یافتن خویشتن خویش را تسهیل می‌کند زیرا فرد به گستره‌ای وسیعی از هویت دست می‌یابد.

#### - خودارزیابی

به منظور تحقق فرآیند هویت‌یابی، ادراک شخصی<sup>۱</sup> از «خود» به وسیله فرد هویت یاب صورت می‌پذیرد. هویت در پی یک درک و فهم شخصی از خود ایجاد می‌شود و در پی تصویری که فرد از خود به‌عنوان تصرف کننده یک وضعیت مشخص ادراک می‌کند، زمینه شکل‌گیری هویت برای وی فراهم می‌شود (شمشیری و ذاکری، ۱۳۹۶: ۱۶). ما از ارزش خودمان آگاهی داریم و برای خود ملاک درونی می‌سازیم. ارزیابی از درون، در فرآیند همانندسازی هویت نقش دارد (کاست،

۱۳۹۱:۲۶۲). به همین واسطه، تجلیات هویت‌یابی، نه تنها بین ما و دنیای ما و هم‌نوعان، بلکه در خود فهمی<sup>۱</sup> نیز ظاهر می‌شود (دوران، ۱۳۸۹). در این بازشناسی، فرد در خود تأمل کرده و از خود، آگاه است. بخش اعظمی از خود تأملی با خودارزیابی تجلی پیدا می‌کند. در واقع فرد با خودارزیابی کارهای خویش، نسبت به اوضاع آگاه می‌شود. خودارزیابی می‌تواند در قالب سیاهه‌ای از رفتارها به‌طور ساختارمند باشد که برای فرد مشخص شده تا خود را ارزیابی کند یا روایتی که فرد بنویسد و کارهای خود را با تعمق بسنجد.

در هر لحظه یا در فواصل زمانی منظم، فرد باید برحسب اتفاقاتی که افتاده است، به‌نوعی پرسش از خود مبادرت ورزد. با شروع یک‌رشته پرسش‌های آگاهانه، فرد عادت می‌کند از خود بپرسد «چگونه می‌توانم از لحظه کنونی برای دگرگونی خویشتن استفاده کنم؟» (گیدنز: ۱۳۸۵:۱۱۸). با توجه به اینکه در نظریه انسان به منزله عامل، آگاهی، قصد و مسئولیت نسبت به اعمال مبنای وجودی عمل محسوب می‌شود، خودارزیابی از طریق بازاندیشی در امور خویش، هر سه مقوله عمل را متجلی می‌سازد؛ زیرا در خودارزیابی فرد از نیت خود مطلع است و با شناخت هرچند نسبی، در حد تلاش خود عمل کرده است.

طبق دیدگاه انسان عامل، در تربیت عاملیت مری و متریب اهمیت دارد؛ مانند تعامل و ارتباط دوسویه معلم - دانش‌آموز که گام‌های تربیت را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این میان ارزش‌یابی باهدف بهبود و اصلاح، به‌طور مستقیم به خواست و اراده دانش‌آموز ربط دارد و این خواست متأثر از فهم او نسبت به عملش و تفسیر آن خواهد بود. هرچه این تفسیر اصیل‌تر، بی‌واسطه‌تر، وجدانی‌تر و درونی‌تر باشد، فرد اراده استوارتری بر تغییر و اصلاح خواهد یافت (سجادیه، ۱۳۹۷)؛ بنابراین لازم است در کنار ارزیابی‌های بیرونی، فرد به‌عنوان ارزیاب خویش اعمالش را مورد سؤال قرار دهد و بپذیرد در درجه اول در قبال خودش مسئول است.

## ۲) مؤلفه ارزشمندی در هویت‌یابی دو شاخص دارد:

### - دیگر ارزیابی

با توجه به ماهیت زندگی اجتماعی، هر فرد در جریان هویت‌یابی به اظهارنظر دیگران درباره عمل خویش نیاز دارد (باقری، ۱۳۸۲). این خواست و گرایش مبنای بسیاری از اعمال جمعی واقع

می‌شود.

دیگر ارزیابی از جمله مؤلفه‌هایی است که نظریه عاملیت انسان در بحث هویت، بر آن تأکید دارد. بر اساس این دیدگاه انسان در عین برخورداری از قدرت تعقل، انتخاب و عمل، محدودیت‌هایی دارد. گرایش‌ها، آموخته‌ها، عدم آگاهی بر برخی موقعیت‌های ناشناس، محیط و فرهنگ مانع نگرستن واقع‌گرایانه به خویش شود. گاهی ممکن است با غلبه کمال‌گرایی، فرد خود را کمتر بیند و گاهی با توهم، دچار خودبزرگ‌بینی شود؛ از همین رو در تربیت باید به دیگران فرصت داد تا زوایای مختلف «من» را ببینند (سجادیه، ۱۳۹۷). با ایجاد مشارکت عاملان، فرد صرفاً از دیدگاه خود، ارزشمندی را تجربه نمی‌کند؛ بلکه خواست و اراده او در هویت اجتماعی تقویت خواهد شد. با چنین نگاهی به ارزش‌یابی، متربی از خود، مرکز‌زدایی می‌کند.

دیگر ارزیابی علاوه بر اینکه طبق مبادی عمل قابل توجیه است، از طریق آثار عمل در نظریه انسان عامل نیز استنتاج می‌شود؛ به‌ویژه در نوع دوم اثر بازگشتی عمل؛ زیرا اثر بر موقعیت عمل موردنظر است.

فرد به سمت گزینه‌های هویتی گرایش پیدا می‌کند که تأیید و پذیرش دیگران را به همراه داشته باشد و به این واسطه، احساسی از تأیید پذیری را تجربه می‌کند که بخشی از هویت وی می‌شود؛ زیرا اعتبار و مشروعیتی هویتی، احساس خوشایند در پی دارد که هویت فردی را به اجتماعی متصل می‌کند (شمشیری و ذاکری، ۱۷:۱۳۹۶). این امر موجب محترم شمردن و دیده شدن از سوی دیگران می‌شود. البته اجتماعی که فرد را تأیید می‌کنند اهمیت دارد تا این مقبولیت در راستای اخلاق و صفات نیکو باشد؛ زیرا زمینه‌های هویتی به‌عنوان یک انتخاب هویتی، درجه تأیید پذیری بالایی دارند.

تأثیرپذیری نسبی روند هویت از شرایط اجتماعی در عین تأکید بر حضور فعال انسان در موقعیت و نقش اساسی خود فرد، در روند تکوین مؤلفه‌های اصلی هویت و تحول مدام آن است (صادق زاده و همکاران، ۱۴۲:۱۳۹۰). احساسی که با هویت همراه است، احساسی ارزش به خود است. پاسداری از ارزش به خود به حمایت‌های اجتماعی نیز ربط دارد؛ زیرا فرد سعی می‌کند نسبت به بازخوردهای صادقانه بی‌تعصب باشد (کاست، ۱۳۹۱). هویت، بر دو رکن احساس تعلق و تمایز متکی است (دارابی، ۱۳۹۵). ظهور هویت پویای «من چه کسی هستم؟» تا حدودی به «چه کسی هستی؟» و بالعکس وابسته است. بخشی از خود با تأمل در نگاه دیگران درک می‌شود (باقری

و خسروی، ۲۰۱۰)؛ بنابراین برای درک بهتر من، گاهی لازم است فرد خویشتن را از نگاه دیگران رصد کند.

دیگر ارزیابی موجب می‌شود فرد در موقعیت تأیید پذیری قرار گیرد. حتی اگر عمل فرد تأیید نشود، از نظرات دیگران بهره‌مند خواهد شد تا بازاندیشی در اعمال خویش داشته باشد. در نظام تعلیم و تربیت برای دانش‌آموزان، ارزیابی مربی، هم‌سال سنجی و والدین سنجی، راه‌های تأیید پذیری هستند.

علاوه بر آنچه در شاخص خودارزیابی مطرح کردیم، حضور عواملان تربیت در فرآیند ارزش‌یابی شامل خانواده، معلم، دانش‌آموزان دیگر، اولیای مدرسه می‌تواند نگاه تک‌بعدی به عمل فرد را اصلاح کند.

#### - شباهت و تفاوت با دیگران

- در عصر حاضر هویت انسانی بدون در نظر گرفتن تعامل روابط بین فرهنگی معنا می‌یابد. دو دیدگاه قوم‌گرایانه و جهانی‌گرایانه نگاه افراطی محسوب می‌شوند. استانداردسازی، تکثرگرایی را نادیده می‌گیرد و از طرفی روند جهانی‌سازی محض، درک صحیح بشریت را پشتیبانی نمی‌کند (باقری و خسروی، ۲۰۱۰). می‌توان این‌گونه استنتاج نمود در هویت‌یابی، فرد در رویدادهای مختلف به شباهت و تفاوت با دیگران پی می‌برد از این رو، ارزش عمل، هر فرد را در شرایط موردنظر قرار می‌دهد.
- داشتن این باور که در عین محدودیت‌ها و ضعف‌ها انسان ارزشمندی است، حفاظتی بسیار مستحکم برای ارزش به خود محسوب می‌شود (کاست، ۱۳۹۱). جنکینز (۱۹۹۶) هویت را نوعی مناظره بین شباهت‌ها و تفاوت‌ها می‌داند. به عقیده این نظریه‌پرداز، هویت اجتماعی یعنی فهم اینکه من چه کسی هستم و دیگران چه کسانی هستند. در مؤلفه بعدی، شاخص‌هایی مطرح می‌شود که فرد با انتخاب و در نظر گرفتن اثر عمل، بر ارتقای حالت هویتی خویش واقف می‌شود.

با توجه به اینکه هویت انسان در کنش متقابل با دیگران ایجاد می‌شود و در جریان زندگی هویت سیال و در حال شدن است (گیدنز، ۱۳۸۵)، انسان‌ها در نقش‌های مختلف بر زندگی یکدیگر تأثیر می‌گذارند؛ به همین سبب در روابط پویا، شباهت‌ها و تفاوت‌های افراد، منبع تحول هویت و جوامع انسانی می‌شود.

در رویکرد ناهمترازی تعامل در تربیت که برخاسته از نظریه انسان به منزله عامل است، وضعیت معلم و دانش آموز یا دانش آموزان با یکدیگر برابر نیست (باقری، ۲۰۱۶). در نا هم تراز ی مشارکت در فعالیت جمعی معنایی جدید پیدا می کند؛ جمعی از افراد که با شباهت ها و تفاوت ها، برای رسیدن به هدفی تعامل دارند.

### ۳) مؤلفه وحدت در هویت یابی دو شاخص دارد:

#### - اولویت بندی امور

فرد درون یک چارچوب مشخص هویتی، بر اساس طرح ارائه شده از سوی این چارچوب و در راستای اهداف طرح عمل می کند. در راستای هویت یابی، فرد دائماً پدیده های پیرامون را به نحو ذهنی سازمان می دهد و همواره در تدارک طرح فردی است تا خود را توسعه دهد (شمشیری و ذاکری، ۱۹:۱۳۹۶). در واقع فرد به اولویت بندی امور و پدیده ها اقدام می کند.

انسان با شناخت، گرایش و اراده و اختیار عمل، توانایی اولویت بندی کارهایش را دارد و مختار است در میان چندین موقعیت یا کار، ابتدا به اموری پردازد که به نظرش مهم تر است یا موقعیتی را برگزیند که شرایط انجام آن مهیاتر است. از طرفی گرایش داشتن نیز در این مقوله مطرح است؛ زیرا گاهی اوقات سودمندی و اهمیت، مدنظر نیست بلکه اموراتی در یک سطح قرار می گیرند ولی فرد گرایش دارد. طبق پژوهش اسکچتر (۲۰۱۲)، اولویت دادن به امور ارزشمند یکی از شاخص های درک جهان خود است.

#### - مشارکت در فعالیت جمعی

هویت یابی، واقعیتی تدریجی و عمدتاً متأثر از معرفت، انتخاب و عمل فردی و جمعی انسان است (صادق زاده و همکاران، ۱۳۹۰). در مؤلفه وحدت، یکسان سازی اندیشه ها مدنظر نیست؛ بلکه با مشارکت در فعالیت جمعی، بستری بردن به ظرفیت های گوناگون سایر افراد فراهم می آید.

رویکرد واگرای هویت یابی نیز به این شاخص اشاره دارد. گروه، صرفاً نقش بیرونی و ابزاری ندارد بلکه تشکیل دهنده ساختار بخش مهمی از هویت فرد است. در واقع درون و بیرون به وحدت می رسند؛ به طوری که در مشارکت گروهی، تلاش فرد هم سو با هدف گروه می شود و تحقق هدف گروه و جمع، وابسته به وحدت بافت اجتماعی و شکل گیری هویت جمعی خواهد بود.

هویت یابی در بعد اجتماعی شیوه تکوین یافته زندگی است که چگونگی نقش پذیری های اجتماعی را تعیین می کند. از آنجا که فرد سبک زندگی خاص خود را دارد، تمایل به تحمیل

نقش‌ها از بیرون ندارد؛ بلکه رابطه‌های بین فردی را در جریان تعامل با دیگران تفسیر می‌کند. طبق پژوهش لی بیونگک<sup>۱</sup> (۲۰۰۲) توجه به هویت‌بخشی در آموزش و پرورش، وحدت درون فردی متربیان را با وجود تعارض‌های الگویی جامعه، تقویت می‌کند.

در این شاخص هویت‌یابی، زمینه یادگیری مشارکتی شامل حمایت متقابل و هم‌چنین نقد متقابل نیز مهیا می‌شود (باقری و خسروی، ۲۰۱۰). در واقع گفت‌وگو‌هایی که طی مشارکت شکل می‌گیرد، در هویت‌یابی، وحدت ایجاد می‌کند و موجب نظم درونی و انسجام اندیشه فرد با محیط و اطرافیان می‌شود. با توجه به بعد اجتماعی هویت، مشارکت در گروه و بهره‌مندی از نظرات دیگران و تعامل برای رسیدن یک هدف می‌تواند از پراکندگی بکاهد و در عین تفاوت‌ها، گروهی از افراد را حتی موقتاً هم‌سو سازد. مشارکت، فرد را با سایر مظاهر فرهنگی آشنا می‌سازد. این خود فرصتی برای بازبینی هویت خویش محسوب می‌شود.

۴) مؤلفه اقتدار در هویت‌یابی دو شاخص دارد:

#### - انتخاب و تصمیم‌گیری

انسان در ساختن هویت خویش با موقعیت‌های مختلف مواجه است که با شناخت، میل و اراده برخی را انتخاب می‌کند و برای اعمال خویش تصمیم می‌گیرد. بر مبنای عنصر اراده در نظریه انسان به‌منزله عامل، فرد با نیت و خواستی در اراده، به عملی اقدام می‌کند (باقری و خسروی، ۲۰۰۶). در جریان هویت‌یابی، گزینه‌ها و موقعیت‌های زیادی مورد توجه فرد واقع می‌شود که از دید خود او و گاهی جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند، در میان سایر انتخاب‌های هویتی، مواردی برجسته خواهد شد (شمشیری و ذاکری، ۲۱:۱۳۹۶). تقویت این شاخص به‌ویژه در کودکی، در فرصت‌هایی خواهد بود که فرد از چندین موقعیت، یک مورد را انتخاب می‌کند. انتخاب کردن و سطحی از آزادی که در انتخاب‌گری وجود دارد، به فرد کمک می‌کند اقتدار هویتی پیدا کند. طبق نظریه انسان عامل، مبنای شناخت عمل هم در انتخاب نقش مهمی دارد و تا زمانی که فرد نسبت به موقعیت‌ها شناخت پیدا نکند، نمی‌تواند انتخاب درستی داشته باشد.

با توجه به اینکه عمل، هویت فرد را رقم می‌زند، این برهم‌کنش اقتدار هویتی ایجاد می‌کند زیرا به تعریف کاست (۱۳۹۱)، احساس توانستن، داشتن این باور است که می‌توان بر اوضاع و

موقعیت اثر گذاشت. انسان با برجسته ساختن یک یا چند حالت کمک می‌کند افکار خود را تحقق بخشد و هم‌چنین می‌توانیم مسبب چیزی باشیم؛ به عبارتی احساس اقتدار و احساس هویت برهم تأثیر می‌گذارند.

هویت به‌طور کلی، برآیند تعامل اختیاری آدمی با مجموعه‌ای از عوامل و موانع مؤثر بر وجود اوست که در قالب ترکیبی از بینش‌ها، باورها، گرایش‌ها، تصمیمات، اعمال (فردی و جمعی) و آثار تدریجی آن‌ها، به تدریج درون خود فرد شکل می‌گیرد و به همین منوال متحول می‌گردد (صادق زاده و همکاران، ۱۳۹۰:۱۳۱).

#### - در نظر گرفتن نتیجه و اثر عمل

نظریه انسان عامل علاوه بر مبادی عمل، آثار عمل را مورد کاوش قرار داد. تأثیرپذیری هویت آدمی از عمل، ناشی از اثری است که عمل بر عامل می‌گذارد. هر عمل حداقل دو نوع اثر به دنبال خواهد داشت:

اثر بازگشتی نوع اول که به‌طور مستقیم به خود عامل بازمی‌گردد. بر این اساس، تحقق عمل موجب تأثیر بر مبادی اصلی عمل یعنی شناخت، میل، اراده و هم‌چنین دو مبدأ دیگر یعنی طراحی و عزم می‌شود. به‌طور مثال «طرح» یک عمل، حاصل ادراک اولیه عامل از ارتباط موجود بین هدف و وسیله رسیدن به هدف است؛ اما عاقبت تحقق هدف، متناسب با نوع آثار و نتایجی که از عمل حاصل می‌شود، تصور فرد از این رابطه تحکیم شده یا مورد بازبینی قرار می‌گیرد. بدین شکل مبدأ طراحی متأثر می‌شود (باقری، ۲۰۱۶؛ مدنی فر و باقری، ۱۳۹۶). با توجه به مبانی اساسی عمل، برای انسان امکان‌پذیر است که اقدامات قبلی خود را از جهت مثبت یا منفی تغییر دهد. در نظر داشتن اثر و نتیجه عمل می‌تواند برای تغییر، راهبردی باشد.

اثر بازگشتی نوع دوم، آن‌طور که باقری از متون اسلامی برداشت کرده، اثری است که عمل بر موقعیت فرد عامل می‌گذارد. در نوع دوم، تأثیرات بیرونی عمل و خارج از فرد، مطرح است. طبق دیدگاه انسان عامل، فرد نمی‌تواند به عمل، صرفاً از منظر هدف و نیت ذهنی بنگرد و فارغ از نتایج حاصل از آن، ارزش‌گذاری و قضاوت کند (همان). لازم است فرد نسبت به هر یک از دو نوع اثر مطرح‌شده، تا حدی آگاهی داشته باشد. گرچه عمل بر اساس هدفی که عامل در ذهن دارد صورت می‌پذیرد، ممکن است نتیجه عمل مطابق با قصدی که عامل داشته است، نباشد. از طرف دیگر ممکن است عامل، عمل را صرفاً با هدف تغییر و نوع اول اثر انجام دهد؛ اما تأثیر نوع دوم عمل نیز



محقق گردد.

با توجه به مبنای اختیار عمل در نظریه انسان عامل، فرد در عمل خویش اراده دارد. در مسیر استمرار هویتی، انسان با در نظر گرفتن اثر عمل، به افکار ناصحیح اقدام نمی‌کند؛ علاوه‌براین، اراده طرح‌ریزی برای عمل بر اساس نتیجه عمل پیشین را دارد. از طرفی در کنش و واکنش‌های بین فردی، نتیجه عمل افراد بر یکدیگر تأثیر می‌گذارد. در هویت‌یابی نیز، اقتدار فرد وقتی محقق خواهد شد که اثر و سودمندی عمل او برای خودش و دیگران آشکار شود. اثر بازگشتی نوع دوم، اثری است که عمل بر موقعیت فرد عامل می‌گذارد. در نوع دوم، تأثیرات بیرونی عمل و خارج از فرد مطرح است (باقری، ۱۳۸۲). طبق دیدگاه انسان عامل، فرد نمی‌تواند به عمل، صرفاً از منظر هدف و نیت ذهنی بنگرد و فارغ از نتایج حاصل از آن، ارزش‌گذاری و قضاوت کند.

جدول ۱. مدل مفهومی مؤلفه‌ها و شاخص‌های هویت‌یابی بر اساس نظریه انسان به‌منزله عامل

منابع	شاخص	مؤلفه	مفهوم
باقری (۱۳۸۲)، باقری (۲۰۱۶)، دوران (۱۳۸۹)، شمشیری و ذاکری (۱۳۹۶:۳۹)، سجادیه (۱۳۹۷)، کاست (۱۳۹۱)	معرفی خود و توصیف احساسات، هیجانات، علاقه‌مندی‌ها، نیازها و توانمندی‌های خویش	خودآگاهی	هویت‌یابی
	خودارزیابی		
باقری (۱۳۸۲)، دارابی (۱۳۹۵)، ذاکری (۱۳۹۴)، صادق زاده و همکاران (۱۳۹۰:۱۴۲)، کاست (۱۳۹۱)، سجادیه (۱۳۹۷)	شباهت و تفاوت با دیگران	ارزشمندی	
	دیگرارزیابی		
باقری (۲۰۱۴)، باقری (۱۳۸۵)، نوذری (۱۳۸۵)، صادق زاده و همکاران، (۱۳۹۰)، ذاکری (۱۳۹۴)، شمشیری و ذاکری (۱۳۹۶)	اولویت‌بندی امور	وحدت	
	مشارکت در امور جمعی		

منابع	شاخص	مؤلفه	مفهوم
باقری (۱۳۸۵)، صادق زاده و همکاران (۱۳۹۰)، شمشیری و ذاکری (۱۳۹۶)، کاست (۱۳۹۱)، مدنی فر و باقری (۱۳۹۶)، باقری (۲۰۱۶)	انتخاب و تصمیم‌گیری در نظر گرفتن اثر و نتیجه عمل	اقتدار	هویت یابی

### بحث و نتیجه‌گیری

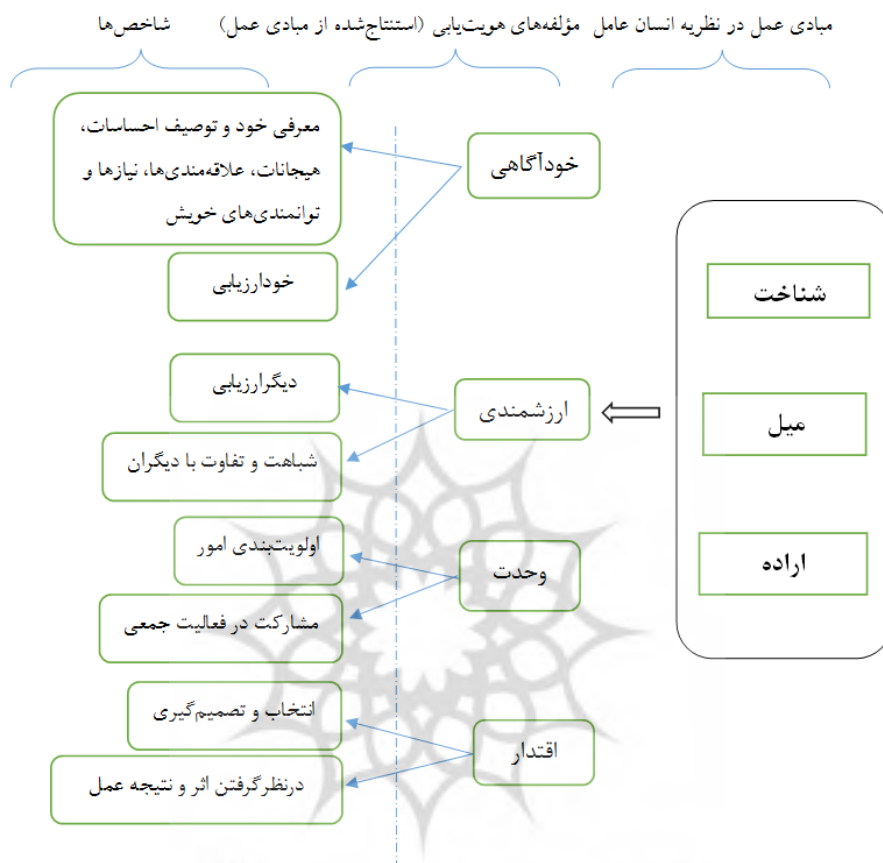
امروزه در مواجهه با بحران هویت، نخستین گام مؤثر در نظام تعلیم و تربیت، می‌تواند بازشناسی مفهوم هویت و آشکار ساختن چگونگی هویت‌یابی باشد. با وجود جریان‌های فکری مختلف در جامعه جهانی، ارائه مدلی متناسب با جامعه اسلامی - ایرانی برای هویت‌یابی می‌تواند راهنمای کنشگران تربیتی باشد تا بستر ساخته‌شدن هویت‌متریبان را فراهم آورند. با توجه به اینکه تحولات عمده هویت به‌عنوان جلوه‌ای از نفس در اختیار آدمی است و هویت‌یابی نیز واقعیتی تدریجی و عمدتاً متأثر از شناخت، انتخاب و عمل فردی و جمعی انسان است، ساخته‌شدن هویت در جدایی از تربیت نیست؛ حتی ارتباط عمیقی با تربیت دارد و تربیت به‌نوعی تکوین هویت محسوب می‌شود. طبق نظریه انسان به‌منزله عامل، عمل آدمی سازنده‌ی هویت اوست. در آیات قرآن برای عمل سه مبدأ شناخت، میل و اراده معرفی شد؛ بنابراین مؤلفه‌های هویت انسان برخاسته از سه عنصر شناخت، میل و اراده است. هویت به‌عنوان تصویر بازتابی از خویشتن، توسط انسان یافت می‌شود، به همین دلیل هویت‌یابی امری خلاقانه و حاصل آفرینش از سوی فرد هویت‌ساز است.

به‌منظور پاسخ به پرسش‌های پژوهش، مبادی سه‌گانه عمل و آثار عمل در نظریه انسان به‌منزله عامل، واکاوی شد. چهار مؤلفه خودآگاهی، ارزشمندی، وحدت و اقتدار استخراج گردید که هر یک شامل دو شاخص می‌باشند؛ مؤلفه خودآگاهی شامل «معرفی خود و توصیف احساسات، هیجانات، نیازها، علاقه‌مندی‌ها، توانمندی‌ها» و «خودارزیابی»، مؤلفه ارزشمندی با دو شاخص «دیگر ارزیابی» و «شباهت و تفاوت با دیگران»، مؤلفه وحدت شامل «اولویت‌بندی امور» و «مشارکت در فعالیت جمعی» و مؤلفه اقتدار برگرفته از دو شاخص «انتخاب و تصمیم‌گیری» و «اثر و نتیجه عمل». هویت‌یابی بر اساس نظریه انسان به‌منزله عامل نشان می‌دهد عملی که بر سه مبنای شناخت، میل و اراده استوار باشد، سازنده هویتی با مؤلفه‌های خودآگاهی، ارزشمندی، وحدت و

اقتدار است.

با توجه به مؤلفه خودآگاهی، فرد هویت‌ساز خود را معرفی کرده و احساسات، هیجانات، علاقه‌مندی‌ها، نیازها و توانمندی‌های خود را نیز توصیف می‌کند. علاوه بر معرفی و توصیف خود، با خودارزیابی، به خویشتر خویش آگاه خواهد شد. وقتی عناصر تربیت، بستر دیگر ارزیابی را فراهم آورند، اعمال فرد از نگاه دیگران ارزش‌یابی می‌شود و با تأمل در اعمال دیگران، شباهت و تفاوت فرد با دیگران آشکار می‌شود و از طریق دیگر ارزیابی و پی بردن به شباهت و تفاوت‌ها، فرد احساس ارزش خود و سایر افراد را درک می‌کند. با توجه به تکرر و تعدد موقعیت‌هایی که فرد با آن‌ها مواجه می‌شود، لازم است امور را اولویت‌بندی کند که به‌منظور وحدت‌بخشیدن به هویت و کوشش در یافتن هویت اجتماعی، در فعالیت جمعی مشارکت دارد. در این فرآیند انتخاب، تصمیم‌گیری و در نظر گرفتن نتیجه عمل، پیش از اقدام و توجه به نتیجه عمل، باعث اقتدار خواهد شد؛ زیرا اثر و نتیجه عمل مولد تجارب بعدی زندگی است.

نظام تعلیم و تربیت به‌منظور فراهم نمودن بستر تکوین هویت اسلامی - ایرانی در متربیان، می‌تواند الگویی از برنامه‌های آموزش و پرورش را بر اساس مؤلفه‌های هویت‌یابی از نظریه انسان به‌منزله عامل، ارائه دهد. در حقیقت با برقراری پیوند معناداری میان عناصر تربیت با مؤلفه‌های خودآگاهی، ارزشمندی، وحدت و اقتدار، به متربیان کمک می‌شود تا در مسیر هویت‌یابی، تجارب غنی تربیتی کسب نمایند.



شکل ۱. مدل مفهومی مؤلفه‌ها و شاخص‌های هویت‌یابی بر اساس نظریه انسان به‌منزله عامل

## منابع

- آزادمنش، سعید؛ سجادیه، نرگس؛ باقری، خسرو (۱۳۹۵)، تبیین اهداف و ملاحظات «تربیت» اخلاقی کودک با نظریه مفهوم عاملیت انسان در اندیشه اسلامی، تربیت اسلامی، ۱۱ (۲۳): ۱-۲۵.
- باقری، خسرو (۱۳۸۹)، رویکردها و روش‌های پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- باقری، خسرو؛ سجادیه، نرگس؛ توسلی، طیبه (۱۳۸۵)، نگاهی دوباره به تعلیم و تربیت اسلامی، جلد ۱، تهران: مدرسه.
- باقری، خسرو (۱۳۸۲)، هویت علم دینی: نگاهی معرفت‌شناختی به نسبت دین با علوم انسانی، تهران: سازمان چاپ و نشر.

جنکینز، ریچارد (۱۳۸۱)، هویت اجتماعی، ترجمه تورج یاراحمدی، تهران: شادگان.  
 دارابی، جعفر (۱۳۹۵)، روان‌شناسی هویت (هویت فردی و جمعی)، تهران: آبیژ.  
 دوران، بهناز (۱۳۸۹)، نقش بازی‌های یارانه‌ای در شکل‌گیری هویت جوانان، به‌راهنمایی پرویز آزادفلاح، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی، رساله دوره دکتری.  
 ذاکری، مختار (۱۳۹۴)، مفهوم پردازش و کاربرد آن در تعلیم و تربیت، پژوهش پدیدارشناسانه، به‌راهنمایی بابک شمشیری، دانشگاه شیراز، پایان‌نامه دوره دکترای فلسفه تعلیم و تربیت.  
 سجادی، نرگس (۱۳۹۷)، نظریه عاملیت انسان در کلاس درس: دانش‌آموز باید ارزیاب خود باشد، رشد معلم، ۳۷ (۴): ۶-۷.

سجادی، نرگس (۱۳۹۷)، نظریه عاملیت انسان در کلاس درس: آینه‌های روبرو، رشد معلم، ۳۷ (۶): ۶-۷.  
 شمشیری، بابک؛ ذاکری، مختار (۱۳۹۶)، هویت و تعلیم و تربیت از نظریه تا عمل، شیراز: دانشگاه شیراز.  
 صادق‌زاده، علی‌رضا و همکاران (۱۳۹۰)، مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران، تهران: دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش.  
 فرمی‌فراهمی، محسن (۱۳۸۹)، فرهنگ توصیفی علوم تربیتی، تهران: شباهنگ.  
 کاست، ورنا (۱۳۹۱)، بازهم من: احساس ارزش به خود و تجربه هویت/روان‌شناسی کهن الگویی انسان امروز، ترجمه تورج رضا بنی‌صدر. تهران: لیوسا.  
 گوتهک، جرالد (۱۳۸۰)، مکاتب فلسفی و آرای تربیتی، ترجمه محمدجعفر پاک‌سرشت، تهران: سمت.  
 گیدنز، آنتونی (۱۳۸۵)، تجدد و تشخص، جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نی.

مدنی‌فر، محمدرضا؛ باقری، خسرو (۱۳۹۶)، تبیین ماهیت عمل تربیتی از منظر الگوی هدف - وسیله، فلسفه تربیت، ۲ (۲): ۳۷-۶۰.

نوذری، حسین‌علی (۱۳۸۵)، نگاهی تحلیلی به مفهوم هویت در قالب‌های سه‌گانه سنتی، مدرن و پست مدرن، مطالعات ملی، ۷ (۲): ۱۴۸-۱۲۷.

هایدگر، مارتین (۱۳۸۶)، هستی و زمان، ترجمه سیاوش جمادی، تهران: ققنوس.

- Bagheri Noaparast, K. & Khosravi, Z. (2006). The Islamic concept of education reconsidered. *The American Journal of Islamic Social Science*, 23(4), 88-103
- Bagheri Noaparast, K., & Khosravi, Z. (2010). A dynamic conception of humanity, intercultural relation and cooperative learning. *Intercultural Education*, 21(3), 281-290.
- Bagheri Noaparast, K. (2016). *Islamic Education as Asymmetrical Democratic Interaction*, In *The Palgrave International Handbook of Alternative Education* (pp. 339-353). Palgrave Macmillan, London.
- Bagheri Noaparast, K. (2014). Islam and philosophy of education: the three approaches. *The Encyclopaedia of Educational Philosophy and Theory*, M. Peters, T. Besley, A. Gibbons, B. Žarnić, P. Ghiraldelli (eds.).
- Côté, J. E., & Levine, C. G. (2014). *Identity, formation, agency, and culture: A social psychological synthesis*. Psychology Press.

- Edgar, Andrew & Sedgwick, Peter. (2005). Key Concepts in Cultural Theory. London: Routledge.
- Schachter, E. P., & Rich, Y. (2011). Identity education: A conceptual framework for educational researchers and practitioners. *Educational Psychologist*, 46(4), 222-238.
- Schachter, E. P., & Galili-Schachter, I. (2012). Identity literacy: Reading and teaching texts as resources for identity formation. *Teachers College Record*, 114(5), 1-37.
- Shoemaker, D., & Tobia, K. P. (2018). Personal identity.
- Spencer, Helen. (2007). "Theories of identity and the analysis of face". *Oatey Journal of Pragmatics*: 639-656.
- Woodward, k. (ed). (2004). *Questioning identity*. London, Routledge



## تحليل مكونات كشف الهوية في نظرية الانسان بمنزلة العامل

فاطمة الرهبرى \*

حكيمه السادات الشريف زاده \*\*

ميمنت العابدني بلترك \*\*\*

الغرض من هذه الدراسة هو التحقيق في مكونات كشف الهوية في نظرية "الانسان بمنزلة العامل". تم إجراء هذا البحث بمنهج نوعي وطريقة تحليلية استنتاجية. في معرفة الانسان ، وصفت هذه النظرية صورة الإنسان في القرآن بأنها النواة الصلبة. وفقاً لهذه النظرية ، فإن أفعال الشخص تشكل هويته. يخلق كل شخص هوية معينة في وجوده بما يتناسب مع أفعاله وتفاعله مع بيئته. وفقاً للجهد الفلسفي لنظرية الانسان بمنزلة العامل ، من أجل شرح الطبيعة البشرية واستنتاج مبادئ العمل من آيات القرآن ، في هذه النظرية ، تم تحليل مكونات كشف الهوية. خلال هذا التحليل ، تم استخراج أربعة مكونات للوعي الذاتي والقيمة والوحدة والسلطة من مبادئ الإدراك والرغبة والإرادة والعمل وتأثيرات الفعل. من مكون الوعي الذاتي ، تم استنتاج مؤشرين "التعريف الذاتي و وصف المشاعر والعواطف والاحتياجات والاهتمامات والقدرات" و "التقييم الذاتي". يكون مكون القيمة أيضاً قيمة الهوية من خلال "تقييم آخريين" وإدراك الفرد "لأوجه التشابه والاختلاف مع الآخرين". بسبب مواجهة الفرد مع تعدد وتنوع مواقف الحياة ، يؤدي "إعطاء الأولوية للأشياء" إلى الوحدة الداخلية والتماسك. من ناحية أخرى ، تتشكل الهوية الفردية الاجتماعية خلال "المشاركة في النشاط الجماعي" كأحد مؤشرات مكون الوحدة. بالإضافة إلى هذه المكونات الثلاثة ، تظهر سلطة الهوية مع "الاختبار و التصميم" ومراعاة "تأثير و نتيجة العمل".

**الكلمات الرئيسية:** هوية؛ كشف الهوية؛ نظرية الانسان بمنزلة العامل. المعرفة؛ رغبة؛ الإرادة.

\* طالبة تاريخ وفلسفة التعليم التربية ، كلية العلوم الإنسانية والاجتماعية ، جامعة مازندران ، البابلسر ، إيران.

\*\* الكاتبة المسؤولة: أستاذة مشاركة ، قسم العلوم التربوية ، دكتوراه في فلسفة التعليم و التربية ، كلية العلوم الإنسانية والاجتماعية ، جامعة مازندران ، البابلسر ، إيران.

\*\*\* أستاذة مساعدة ، قسم العلوم التربوية ، دكتوراه في دراسات برنامج التحصيلي ، كلية العلوم الإنسانية والاجتماعية ، جامعة مازندران ، البابلسر ، إيران

## The analysis of the components of Identification in the theory of human as agent

Fatemeh Rahbari \*

Hakimesadat Sharifzadeh \*\*

Meymanat Abedini Beltork \*\*\*

The purpose of the present study is to analyze the components of Identification in the theory of "human as agent". This study was conducted with qualitative approach and analytical-inferential method. This theory in anthropology has described the image of man in the Qur'an as a hard core. According to this theory, one's actions make him or her an identity. Each individual creates a definite identity in his or her own being in accordance with his / her actions and interaction with the environment. Considering the philosophical effort of human theory as a factor in explaining the human nature and deducing the principles of action from the verses of the Qur'an, we have investigated the components of identity in this theory. In this analysis, four components of self-awareness, value, unity and authority were extracted from the bases of cognition, desire, and action. From the self-awareness component, two indices of "self-presentation and description of feelings, emotions, desires, needs and abilities" and "self-evaluation" were deduced. The valuable component realizes the value of identity through 'other evaluation' and one's perception of 'similarity and difference with others'. Given one's exposure to the multiplicity of situations in life, "prioritizing" causes inner unity and cohesion. On the other hand, individual-social identity is formed in the process of "participation in collective activity" as an indicator of the component of unity. In addition to these three components, identity authority emerges with "choice and decision" and with regard to "effect and outcome of action."

**Keywords:** *Identity, Identification, Theory of Human As Agent, Cognition, Will, Intention.*

---

\* Student in History and Educational and Training Philosophy, College of Human and Social Sciences, Mazandaran University, Babolsar, Iran.

\*\* Corresponding author: Associate Professor, Department of Educational Sciences, PH.D in Educational and Training Philosophy, College of Human and Social Sciences, Mazandaran University, Babolsar, Iran.

\*\*\* Assistant Professor, Department of Educational Sciences, PH.D in Lesson Planning Studies, College of Human and Social Sciences, Mazandaran University, Babolsar, Iran.